

۷. کرامت انسان و عزت نفس او

«جون» غلام ابوذر بود. روز عاشورا از امام حسین علیه السلام اذن میدان خواست. امام به او رخصت داد که از صحنه بیرون برود و کشته نشود؛ چرا که در روزهای سخت و دشوار، همراه این خاندان بوده لذا الان مجاز است که جان خویش را بر گیرد و برود.

ولی جون به پای امام افتاد و بوسید و گریست و درخواست کرد که اجازه یابد خونس با خون اهل بیت در این میدان آمیخته شود. امام هم اجازه داد. به میدان رفت و پس از جنگی دلاورانه به شهادت رسید و امام به بالین او آمد و دعایش کرد:

خدایا چهره اش را نورانی و بدنش را خوشبو ساز و او را با محمد و آل محمد محشور کن.^۱

۱. مقتل الحسین، مقرر، ص ۳۱۳.

۸. حس مواسات

یکی از زیباترین خصلت های معاشرتی مواسات است؛ یعنی غمخواری و همدردی و یاری کردن دیگران. از ریشه «اسوه» است یعنی «دیگری را در «مال» و «جان»، همچون خود دیدن و دانستن، یا دیگری را بر خود مقدم قرار دادن، به دوستان و برادران دینی یاری و کمک مالی و جانی رساندن، غمخواری کردن کسی را به مال خود، برابر گردانیدن او را با خویش.

در شبی از شب های محرم نیز امام حسین علیه السلام در جمع یاران خویش، ضمن بیان این سخن که هر که می خواهد برگردد از تاریکی شب استفاده کند، فرمود: هر کس می رود برود ولی هر کس با ما، جانش مواسات داشته باشد، فردای قیامت در بهشت با ما خواهد بود و از خشم الهی خواهد رست.

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۳۸.

برای دریافت نسخه دیجیتال

بروشور و بروشورهای دیگر لطفاً

اسکن کنید.

لطفاً دارد...



لطفاً با تکتیر و نشر این بروشور در ثواب آن شریک شوید.



نورافیت عاشورا

(معرف حسینی)

تا که پرسیدم ز قلبم عشق چیست
در جوابم این چنین گفت و گریست
لیلی و مجنون فقط افسانه اند
عشق در دست حسین بن علیست

این بروشور حاوی الفاظ متبرکه

است؛ لطفاً مسائل شرعی

آن را رعایت فرمایید.

۶. عطوفت و مهربانی

وقتی حُر، بیدار شد و توبه کرد و به اردوی امام پیوست، تردید داشت که امام حسین او را می‌پذیرد یا نه؟ سوال حُر «هَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟»؛ آیا برای من توبه‌ای هست، نشان دهنده نقطه امید او به بزرگواری امام حسین (علیه السلام) بود.

حضرت هم توبه و بازگشت و حق‌گرایی او را ارج نهاد و با سخن «نَعَمْ، يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْكَ»، او را به بخشایش و رستگاری امید داد.^۱

۱. مقتل الحسين، مقرر، ص ۲۹۰.

۵. استفاده ابراری از دین

امام حسین (علیه السلام):

«النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينَ لَعَقٌ عَلَى
السِّنْتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَادَرَّتْ
مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ
الدِّيَانُونَ»

مردم بنده دنیايند و دين بر زبانشان
می‌چرخد و تا وقتی زندگي‌هاشان
بر محور دين بگردد، در پی آنند، اما
وقتی به وسیله «بلا» آزموده شوند،
دينداران اندک می‌شوند.

۱. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۴، ص: ۳۸۳. همچنین تحف العقول، النص، ص: ۲۴۵.

در الگوپذیری قیام عاشورا باید راز جامعیت اسلام در کربلا درک شود و بر اساس آن، تفسیری صحیح از این حادثه ارائه گردد. حادثه عاشورا و تاریخچه آن، دو صفحه دارد: یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک، سیاه و ظلمانی.

در نگاه دوم، قهرمان حادثه یزید بن معاویه، عبید الله بن زیاد، عمر سعد، شمر و امثال اینها است. وقتی این صفحه تاریک مطالعه شود، فقط ظلم است، جنایت است و رثای بشریت که هیچ چیز غیر از گریه، زاری و مرثیه را نمی‌طلبد، اما اگر صفحه مقابل مطالعه شود، قهرمان این صفحه نورانی حسین (علیه السلام) است و اهل بیت (علیهم السلام) و اصحاب او.

این صفحه دیگر جنایت و تراژدی نیست، بلکه حماسه است، افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت، انسانیت و حق‌پرستی است. چرا ما صفحه نورانی این داستان را کمتر مطالعه می‌کنیم در حالی که جنبه حماسی این داستان صد برابر بر جنبه جنایی آن می‌چربد و نورانیت این حادثه بر تاریکی آن خیلی می‌چربد؟

اگر ما صفحه نورانی تاریخ حسینی را خواندیم، آن وقت از جنبه رثایی‌اش می‌توانیم استفاده کنیم؛ وگرنه بیهوده است.^۱

۱. شهید مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۸۲.